

## محمد، ماریه، حفصه

ماریه قبطیه یکی از کنیزان محمد بود. ماریه را از مصر برای محمد هدیه فرستاده بودند. وقایعی که میان محمد و ماریه اتفاق افتاد باعث نازل شدن سوره تحریم (۶۶) شد، که در نتیجه محمد ماریه را بر خود حرام کرد و به همین دلیل سوره تحریم میخوانند.

« علی دشتی» در کتاب «۲۳ سال» خود در مورد این واقعه این چنین مینویسد:

« ماریه روزی نزد پیغمبر آمد. آن روز پیغمبر در خانه حفصه بود و حفصه در خانه نبود. حضرت همانجا با ماریه همبستر شد و در این اثنا حفصه سر رسید و داد و بیداد براه انداخت که چرا حضرت با کنیز خود در خانه و در بستر او خوابیده است. پیغمبر برای تسکین خاطر حفصه و آرام کردن وی ماریه را بر خود حرام کرد. لابد پس از رفع بحران یا بواسطه علاقه ای که به ماریه داشته و یا بواسطه این که ماریه از تحریم خود بر پیغمبر ناراحت شده و باز خواست کرده بود حضرت از حرام کردن ماریه بر خویشتن عدول (صرف نظر) کرد و برای تبرئه و تزکیه وی آیه های اول تا پنجم سوره تحریم نازل شده است.»

سوره تحریم (۶۶) آیه ۱  
ای پیغمبر گرامی برای چه آنرا که الله بر تو حلال فرمود بر خود حرام کردی، تا زنانت را از خود خشنود سازی در صورتیکه الله آمرزنده و مهربان است.

الله بخشنده و مهربان است، البته فقط در حق محمد.

سوره تحریم (۶۶) آیه ۳  
وقتی پیغمبر با بعضی از زنان خود (یعنی با حفصه سخنی راجع به ماریه یا راجع به ریاست ابوبکر و عمر) به راز گفت (و به او سپرد) آن زن چون خیانت کرده و دیگری (یعنی عایشه) را بر سر پیغمبر آگه ساخت، الله بر رسولش خیر داد و او بر آن زن برخی را اظهار کرد (و برویش آورد) و برخی را از کرم پرده نهاد و اظهار نکرد، آن زن گفت رسولا تو را که واقف ساخت؟ (که من سر تو بر کسی فاش کردم)، رسول گفت مرا الله دانای آگاه (از همه اسرار عالم) خبر داد.

نمایان است مترجم بسیار معتبر قرآن آقای مهدی الهی قمشه ای دلیلی برای این گفته داشته است و آن را در قرآن وارد کرده است، که این راز میتواند قولی که محمد به حفصه درباره خلافت پدرش عمر داده باشد تا او را ساکت کند.

به هر سوی رسول رازی را به حفصه گفت، حفصه هم خیانت کرده آن راز رسول را به عایشه گفت، الله هم این خیانت حفصه را به گوش رسول خود رساند. رسول هم بعضی از سخنان الله را به حفصه گفت و بعضی را نگفت. حفصه پرسید: چه کسی این مسئله را به گوش تو رسانده است. رسول هم در جواب حفصه گفت که الله این حرف را به گوش من رسانده است که تو به من خیانت کرده ای.

آیا این در شان خداوندگار بزرگ است که به مسائل زناشویی محمد بپردازد و بین محمد و زناش خبرچینی کند؟؟؟؟ آیا این اهانتی بزرگ به پروردگار آسمانها نیست؟؟؟؟

سوره تحریم (۶۶) آیه ۴  
اینک اگر هر دو زن به درگاه الله توبه کنید که البته دلهای شما (خلاف رضای پیغمبر) میل کرده است و اگر با هم به آزار او اتفاق کنید باز (هرگز بر او غلبه نکنید) که الله یار و نگهبان اوست و جبرئیل امین و مردان صالح و با ایمان و فرشتگان حق

و آن دو زن یعنی عایشه و حفصه باید بدانند که آنها بر خلاف رضای محمد عمل کرده و او را آزرده اند. همچنین باید بدانند که اگر با هم همدستی کنند و بنا به آزار محمد بگذارند، هرگز پیروز نخواهند شد چون الله و جبرئیل و همه فرشتگان در خدمت محمد هستند و او را در مشکلات زندگی و همخوابگی یاری خواهند کرد.

#### سوره تحریم (۶۶) آیه ۵

امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق دهد، الله زنان بهتر از شما به جایان با او همسر کند. که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع و اطاعت اهل توبه و عبادت رهسپار (طریق معرفت) باشند چه بکر و چه غیر بکر.

و اینجا می بینیم که منظور از یاری دادن چیست!!

حاشیه نویسی در قرآن خود سند دیگری است که مجتهدان و قرآن نویسان از آن استفاده کرده تا وقایعی را که باعث نزول آیات شده اند را برای خوانندگان بازگو نمایند. به همین دلیل بجاست که به آن قسمت از حاشیه قرآن که مربوط به سوره تحریم است، نگاهی بیاندازیم تا تصویری روشنتر از مسائل خانوادگی محمد داشته باشیم.

#### حاشیه قرآن مهدی الهی قمشه ای درباره سوره تحریم:

شان نزول آنکه حضرت رسول با ماریه قبطیه کنیز ام ولدش ابراهیم بود، روزی در بیت حفصه یا در بیت عایشه خلوت کرد و حفصه بر آن آگاهی یافت، پس باین جهت حضرت رسول ماریه را بر خود حرام کرد، چنانکه در بیان تحریم تحریر خواهد یافت و به حفصه فرمود که این راز را با کسی مگو و چون آن حضرت بیرون رفت حفصه به عایشه گفت و بوحی الهی آن حضرت اطلاع یافت، و در تفسیر علی بن ابراهیم از حضرت صادق مروی است که فرمود اطلعت حفصه علی النبی و هومع ماریه فقال النبی و الله ما اقربها فامرہ الله ان یکفر عن یمیه و در کافی از حضرت امام محمد باقر نیز قلف ان لایقربها نیز مذکور است و بقولی آن که حضرت رسول همواره بعد از فراغ از نماز صبح بر در حجره یکی از ازدواج برسم نوازش مروره میفرمود تا آنکه در بعضی اوقات زینب بنت جحش از عسلی که برایش آورده بودند شربت میساخت آن حضرت میاشامید و باین وسیله توقف آن حضرت نزد زینب زیاده بر معهود واقع میشد پس عایشه و حفصه توطئه کرده بآن حضرت گفتند از تو بوی مغفیر میاید که صمغی است بدبو از درخت عرقل و آن حضرت فرمود از مغفیر نخورده ام بلکه از شربت عسل زینب خورده ام پس گفته شد که زنبورش بر شکوفه عرقل چریده خواهد بود پس آن حضرت سوگند یاد کرد که از آن عسل نخورد.

آیا این همان قرآنی است که ما ناآگاهانه بر مزار مردگان خود میخوانیم و به خیال خود روح آنها را آرامش می بخشیم؟؟؟

آیا این همان قرآنی است که ما ناآگاهانه بر آن قسم یاد میکنیم تا ابد به همسر خود وفادار باشیم؟؟؟

آیا این همان قرآنی است که با آن سوگند یاد میکنیم تا از آب و خاک و سرحدات میهن خود دفاع کنیم؟؟؟

و آیا این الله همان آفریدگار عالم، آفریننده جهان و همه مخلوقات است که به زندگی زناشویی محمد دخالت میکند، به مسائل همخوابی او رسیدگی میکند و برای پیدای زدن باکره به محمد وعده میدهد؟؟؟؟

گردآورنده:

شاهین کاویانی

